دریچه

از خطای پزشکی تا خطای داروخانه‌ای

خطاهایی به قیمت جان بیماران

● **شرق:** بارها خبرهایی درباره بروز خطای پزشکی در رسانه‌ها منتشر شده است؛ اما چرخه دارو و درمان جاهای دیگری نیز ممکن است با خطا همراه شود؛ مثلا در داروخانه‌ها و هنگام تحویل دارو. خطاهایی که گاهی ممکن است به قیمت جان یک بیمار تمام شود. چند روز پیش بود که خبر تحویل اشتباه آمپول به جای قرص به دختر معلولی در شهر شوش در استان خوزستان که موجب آسیب‌رساندن به او شد، در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد؛ خبری که واکنش‌های زیادی را در پی داشت و بسیاری دیگر نیز در شبکه‌های اجتماعی از تجربیات مشترک‌شان در این زمینه نوشتند.

«شرق» به دنبال این خبر به سراغ خانواده نجمه ۱۴ساله، دختر معلولی که به دلیل تحویل اشتباه دارو دچار تشنج شد و ساعاتی را در کما بود، رفت تا ماجرا را از زبان خودشان بشنود. پدر و مادر نجمه به زبان فارسی آشنا نبودند؛ به‌همین‌خاطر تلفنی با علی سعدی، دایی نجمه، گفت‌وگو کردیم. او دراین‌باره به «شرق» می‌گوید «خواهرزاده‌ام مادرزاد معلول متولد شده است. چند روز پیش نجمه که توان راه‌رفتن ندارد، از روی ویلچر به زمین افتاد و دست راستش دچار شکستگی شد. به‌همین‌دلیل او را پیش دکتر ارتوپد بردند. دکتر معالج بعد از آتل‌بندی برای نجمه دارو تجویز کرد و خانواده‌اش آن را تهیه کردند». به گفته دایی نجمه خانواده پس از اینکه داروها را تهیه کردند، بار دیگر نزد پزشک بازگشتند؛ اما پزشک با دیدن داروها به آنها نگفته است که داروها را اشتباهی به شما تحویل داده‌اند. او در ادامه می‌گوید «احتمالا دکتر با دقت داروها را ندیده است؛ به‌همین‌خاطر متوجه اشتباه داروخانه نشده است. پزشک فقط به خواهرم گفته بود هر هشت ساعت یک عدد. بعدازآن پدر و مادر نجمه او را برای تزریق آمپول به بیمارستانی در شوش بردند و آمپول را برایش تزریق کردند که اتفاق خاصی نیفتاد. نجمه و خانواده‌اش در روستای عین در ۴۰ کیلومتری شهر شوش زندگی می‌کنند. برادر سه‌ساله‌اش هم معلول است. خواهرم و همسرش هر بار برای تزریق آمپول‌های دخترشان به شوش می‌رفتند تا اینکه روز سوم پس از تزریق آمپول هفتم نجمه تشنج کرد و چند ساعتی را در کما بود». به گفته علی سعدی حالا البته حال خواهرزاده‌اش بهتر است.

پس از انتشار این خبر در شبکه‌های اجتماعی شهرستان شوش، دادستان این شهر با خانواده نجمه تماس گرفت و از آنها خواست مدارک خود را برای رسیدگی به این موضوع به آنها ارائه دهند. خانواده نجمه نیز با ارائه مدارک علیه داروخانه خاطی شکایت کردند و منتظر رسیدگی به پرونده‌شان هستند.

پزشکان بدخط

بدخطی برخی از پزشکان مدت‌هاست موجب گلایه برخی از داروسازان و متصدی‌های داروخانه‌ها شده است؛ مسئله‌ای که با جان بیماران بازی کرده و بحث الکترونیکی‌شدن نسخ را به میان آورده است. گرچه تاکنون نسخه‌ای به صورت الکترونیکی پیچیده نشده؛ اما برخی بر این باورند که کاهش خطا در نسخه‌خوانی اهمیت پیگیری این مسئله را دوچندان کرده است.

چندی پیش محمدباقر ضیا، عضو هیئت‌مدیره انجمن داروسازان ایران، دراین‌باره گفت «آمار این خطاها در داروخانه‌ها و ایستگاه‌های پرستاری بر مبنای گزارش‌های رسیده، درخورتوجه است و دراین‌باره نیاز است که یک برنامه ریشه‌ای در نظر گرفته شود. او به فارس گفته بود: بر مبنای مقاله ارائه‌شده در نخستین کنگره بین‌المللی حاکمیت بالینی و ایمنی بدخطی و ناخوانابودن خط پزشکان از ۴۹ درصد موارد شایع‌ترین علت خطاهای دارویی پرستاران عنوان شده است». او همچنین درباره کاهش احتمال بروز خطای نسخه‌خوانی اظهار کرد «نسخه الکترونیک می‌تواند موجب کاهش چشمگیر احتمال بروز خطای نسخه‌خوانی شود؛ ضمن اینکه سابقه دارویی بیمار در سیستم ذخیره می‌شود که این موضوع می‌تواند کمک شایانی به ثبات روند دارودرمانی کند».

مرگ ۳ هزار نفر در سال

در ایران سالانه چند نفر به علت خطاها و عوارض دارویی می‌میرند؟ داروهایی که درعین‌حال می‌توانند جان یک انسان را نجات دهند، اگر اشتباه تجویز یا تحویل داده شوند، می‌تواند موجب مرگ انسان شود. علی فاطمی، نایب‌رئیس انجمن داروسازان ایران، چندی پیش دراین‌باره اعلام کرد «طبق آمارها و برخی تحقیقات انجام‌شده، احتمالا سالانه حدود ۴۵ هزار نفر در ایران به علت خطاهای دارویی و عوارض ناشی از آن آسیب می‌بینند و متأسفانه حدود سه هزار نفر جان خود را از دست می‌دهند».اشتباهاتی از این دست البته گستره‌ای به وسعت همه جهان دارد. گزارش سال ۲۰۱۵ مؤسسه ملی آکادمی‌های پزشکی National Academies of Science's Institute of Medicine آمریکا نشان می‌دهد که سالانه ۴۴ هزار گزارش اشتباه مصرف دارو بر اثر بدخطی پزشکان در این کشور ثبت می‌شود. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۶ میلادی، هفت هزار نفر در آمریکا بر اثر اشتباهات دارویی ناشی از بدی دستخط پزشکان جان خود را از دست دادند. البته بعید است که همه این موارد مرگ سالانه در یک کشور بر اثر بدخطی پزشکان باشد و باید مواردی از قبیل خطای انسانی، واکنش‌های دارویی، تجویز دوز نامناسب و تعاملات دارویی بدون اطلاع پزشک را نیز در این دسته‌بندی قرار داد.

بررسی گزینه‌های پیشنهادی شورای شهر برای شهرداری تهران

۲۵ مرد و ۳ زن

شرق: بازی دوباره از نو؛ این داستان تکراری شورای شهر دوره پنجم تهران است که در یک سال گذشته سه بار نعل‌به‌نعل آن را تکرار کردند. تلاش برای انتخاب شهردار تهران که برای آن هر عضو شورا پنج گزینه پیشنهادی خود را معرفی کرده و از میان آنها ۳۰ نفری که بیشترین رأی را داشته‌اند، به‌عنوان اسامی اولیه انتخاب شدند. بر همین اساس سخنگوی شورای شهر تهران روز دوشنبه اسامی نامزدهای پیشنهادشده برای پست شهرداری تهران را اعلام کرد. اسامی اغلب آشنا با میانگین سنی بالای ۵۵ سال که تعداد زیادی از آنان یا در سن بازنشستگی هستند یا در آستانه آن.

فهرست اسامی ۳۰نفره، پر از اسامی تکراری است که پیش‌ازاین و هر دو دوره‌ای که شهرداری ناچار به انتخاب شهردار شده بود، روی کاغذ آمد و به دلیل عدم تطابق حرفه و پرونده و همچنین برنامه ارائه‌شده آنها با آنچه در ذهن نمایندگان شورای شهر بود، از گردونه رقابت‌ها حذف شدند. در کمتر از ۲۴ ساعت دو نفر از این فهرست بلندبالا که به گفته نمایندگان شورای شهر فقط یک بارش افکار بود، انصراف دادند. نمایندگان می‌گویند هرکدام از آنها نام ۵ نفر را مطرح کرده‌اند و این فهرست ۳۰نفره حاصل آرای جمع است و در هفته پیش‌رو آنها باید با این افراد تماس بگیرند تا ببینند چند مرده حلاج‌اند و اصلا دلشان می‌خواهد شهردار شوند یا خیر. تاکنون حجت‌الله میرزایی و مصطفی موسوی‌لاری از این روند انصراف خود را اعلام کرده‌اند.

هرچند شهردار فعلی تهران به بهانه جوان‌گرایی و به کارگرفتن جوان‌ها کنار می‌رود اما با انصراف این دو نفر و نگاهی به سن‌وسال و سابقه اعضا می‌شود به این نتیجه رسید که نمایندگان شورای شهر نیز چندان اعتقادی به جوان‌گرایی ندارند. در حالی حجت‌الله میرزایی و مصطفی موسوی‌لاری از این فهرست انصراف می‌دهند که جوان‌ترین گزینه‌های روی میز شهرداری تهران بودند و بعد از رفتن آنها تنها محمود خواجه‌نصیر در میان فهرست باقی می‌ماند که از او اطلاعات زیادی در دست نیست. در میان این فهرست اسامی‌ای دیده می‌شود که یا بازنشسته هستند یا مشکوک به بازنشستگی و در آستانه بازنشستگی. جدا از آن جز نام سه نفر زن که سابقه و مدیریت فعلی آنها نشان می‌دهد که هرگز تن به مدیریت شهری نمی‌دهند و تنها یکی از آنها یعنی الهه کولایی، کاندیدای پیشین شهرداری تهران بود، به نظر می‌رسد که استفاده از سه نام شهیندخت مولاوردی، معصومه ابتکار و الهه کولایی فقط برای بستن دهان منتقدان است که عنوان شود ما زنان را نیز در نظر داشتیم. اما اثری از هیچ زن متخصصی در این فهرست ۳۰نفره نمی‌توان یافت. نام‌های تکراری در این فهرست که پیش‌ازاین هم در میان گزینه‌های دو دوره انتخاب شهردار شورای پنجم بالا و پایین شده‌اند، این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که یا نمایندگان شورای شهر از این بازی انتخاب شهردار خسته شده‌اند یا گزینه آنها از پیش مشخص است و صرفا برای رعایت یک پروسه مشخص اداری این بازی را راه انداخته‌اند. در ادامه این گزارش پرونده ۲۸نفری که هنوز استعفا نداده‌اند و همچنین میانگین سنی آنها را با هم مرور کرده‌ایم:

محسن هاشمی‌رفسنجانی: محسن را می‌توان اصلی‌ترین و جدی‌ترین فرد این فهرست دانست. او که در تمام سال‌های پیش از آمدنش به شورا نیز همیشه گزینه‌ای برای شهرداری تهران بود؛ زمانی که در صدر لیست امید شورای شهر تهران قرار گرفت، فکرش را هم نمی‌کرد همین صدرنشینی سد و مانع او برای رسیدن به دفتر شهرداری تهران باشد. محسن هاشمی همان‌قدر که در میان نمایندگان مخالف سرسخت برای رفتن به بهشت شورا دارد، مدافعان سرسختی هم دارد. او را پدر متروی تهران می‌دانند و گفته می‌شود چهار سال تا بازنشستگی فاصله دارد. هرچند مخالفانش می‌گویند این فاصله چهارماهه است اما اطرافیان محسن هاشمی می‌گویند او چهار سال بیمه از دانشگاه آزاد طلب دارد و حداقل فرصتی برای ثبات مدیریت شهری دارد. او متولد ۱۳۴۰ است و ۵۷ سال دارد. هاشمی مدرک کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه پلی‌تکنیک مونترل کانادا را دارد و در سوابق او مدیریت شرکت متروی تهران، معاون عمرانی دانشگاه آزاد، پایه‌گذاری دفتر بازرسی ویژه رئیس‌جمهوری دیده می‌شود. هربار در یک سال گذشته بحث تغییر ریاست شهرداری تهران مطرح بود، محسن هاشمی جزء خط‌شکن‌ها برای رسیدن به این صندلی بود اما خروج او از شورا پای یکی از اصولگرایان را به شورای پنجم باز می‌کند و نمایندگان با این واقعیت کنار نمی‌آیند.

عباس آخوندی: وزیر مستعفی راه و شهرسازی متولد ۱۳۳۶ و ۶۱ ساله است. آخوندی مدرک دکترای اقتصاد از کالج رویال هالووی لندن دارد و پیش‌ازاین در شورای مرکزی جهاد سازندگی، ریاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاون سیاسی وزیر کشور و همچنین وزارت دوره‌های یازدهم و دوازدهم را در کارنامه دارد. عده زیادی از کارشناسان حوزه شهری دلیل اصلی استعفای آخوندی از وزارت را نزدیک‌شدن به صندلی شهرداری می‌دانند. هرچند او به‌صورت ضمنی برای شهردارشدن اعلام آمادگی کرده و با نمایندگان شورای شهر هم دیدار داشته اما زمزمه‌های جدی درباره بازنشستگی او به گوش می‌رسد و شانس او را برای رسیدن به دور نهایی کم می‌کند.

محسن پورسیدآقایی: متولد ۱۳۴۰ و معاون حمل‌ونقل فعلی شهرداری تهران که در صحن شورای شهر مخالفان بسیاری دارد و خبرنگاران شاهد بگومگوی او با اعضای شورا بوده‌اند. او مدرک دکترای مهندسی صنایع خود را از دانشگاه تربیت مدرس گرفته و تاکنون در کارنامه خود مشاوری مدیرعامل راه‌آهن، مدیرعامل شرکت راه‌آهن و مدیرعامل بخش حمل‌ونقل ریلی شرکت مپنا را داشته است. در هفته‌های گذشته نام پورسیدآقایی به‌عنوان کاندیدای شهرداری تهران به‌صورت جدی مطرح شد اما بعد از آمدن گزینه‌های جدید باید او را از گردونه رقابت اصلی حذف‌شده دانست.

پیروز حناچی: معاون معماری و شهرسازی شهرداری تهران را که ۵۴ سال دارد، جزء کاریزماتیک‌ترین کاندیداهای شهرداری تهران می‌شناسند. هرچند پیروز حناچی در سمت فعلی خود چندان موفق ظاهر نشد؛ اما در زمان انتخاب افشانی در دوره دوم رقیب جدی او محسوب می‌شد. حناچی دکترای تخصصی معماری دارد و در کارنامه‌اش قائم‌مقامی ریاست دانشکده هنرهای زیبا، رئیس مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی، دبیر شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور، رئیس مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی دیده می‌شود.

علی طیب‌نیا: وزیر امور اقتصادی و دارایی ۵۸ساله دولت یازدهم یکی دیگر از گزینه‌های شهرداری تهران است. او پیش‌ازاین در کارنامه کاری خود مشاغلی مانند مشاور کمیسیون اقتصادی هیئت دولت و دبیری ستاد تنظیم بازار در نهاد ریاست‌جمهوری را داشته است. در هفته‌های گذشته شایعه شد طیب‌نیا پیشنهاد حضور در شهرداری تهران را نپذیرفته؛ اما نامش را می‌شود در فهرست ۳۰نفره پیدا کرد.

محمدابراهیم انصاری‌لاری: این مدیر آبادانی متولد ۱۳۳۹ فارغ‌التحصیل رشته حقوق از دانشگاه تهران است. او که درحال‌حاضر مدیرعامل منطقه آزاد کیش است، در کارنامه‌اش مشاغلی مانند استانداری بوشهر، ریاست سازمان ثبت احوال، مدیر کل بازرسی و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دیده می‌شود. نام انصاری‌لاری پیش‌ازاین نیز برای تصدی شهرداری تهران مطرح شده بود.

مصطفی سلیمی: سلیمی، شهردار منطقه سه را محبوب‌القلوب اعضای شورای شهر می‌دانند. او دکترای محیط زیست دارد و هرچند در ویکی‌پدیا و همچنین تارنمای شهرداری منطقه سه تاریخ تولد او درج نشده؛ اما به گفته نزدیکانش او ۵۶ساله است. سلیمی سابقه شهرداربودن در مناطق ۶، ۱۸ و ۲۱ شهرداری تهران را در دوره مدیریت محمدباقر قالیباف در پرونده خود دارد. سلیمی سابقه طولانی در کارهای اجرائی به‌ویژه در شهرداری تهران داشته است. ازجمله سوابق اجرائی مصطفی سلیمی می‌توان به مدیرکل حراست شهرداری تهران، شهردار منطقه ۱۸ تهران، مدیرعامل سازمان پسماند شهرداری تهران، شهردار منطقه ۶، شهردار منطقه ۲۱ اشاره کرد.

سلیمی همچنین در فاصله تأیید شهرداری محمدعلی نجفی از سوی وزارت کشور برای چند روز به‌عنوان سرپرست شهرداری تهران انتخاب شده بود.

محمودرضا خواجه‌نصیر: متولد ۱۳۶۱ و تنها جوان واقعی این فهرست است. او را از مدیران موفق بازار سرمایه می‌دانند. از او اطلاعات زیادی در دسترس نیست. او مدیرعامل شرکت تأمین سرمایه تمدن است.

غلامرضا انصاری: او قائم‌مقام ۶۳ساله دبیرکل حزب اتحاد ملت است و عضو چهارمین دوره شورای شهر تهران بوده است. انصاری مدارک دکترای علوم آزمایشگاهی، MPH سالمندی و دکترای مدیریت رفاه اجتماعی را دارد. او نماینده مردم مشهد و کلات در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان بهزیستی کشور در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، سفیر ایران در فهرست سفیران ایران در ترکمنستان از ژوئن ۲۰۰۵ تا دوم اکتبر ۲۰۰۸ بوده است.

محمدجواد امام: جواد امام ۵۴ساله است. جواد امام مدیرعامل بنیاد باران و معاون وزیر نیرو در دولت اصلاحات و مسئول ستاد میرحسین موسوی در تهران و از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است. به نظر می‌رسد جواد امام هیچ‌گونه سابقه شهری در کارنامه خود ندارد.

ایرج معزی: از تاریخ تولد ایرج معزی اطلاعاتی در دسترس نیست. او درحال‌حاضر معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران است و کارشناس ارشد معماری و شهرسازی است.

صادق خرازی: متولد ۱۳۴۲ و سیاست‌مدار است. خرازی سفیر و معاون نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد و دبیر کل حزب ندای ایرانیان است. در شرایطی که تخصص کمتر عاملی است که برای انتخاب شهردار مهم به نظر می‌رسد، خرازی نیز سابقه مدیریت شهری ندارد. از تجارب او می‌توان به مشاوره ریاست‌جمهوری و سفیر سفارت فرانسه اشاره کرد.

نصرالله جهانگرد: یکی از اصلی‌ترین گزینه‌های شهرداری تهران نصرالله جهانگرد است. او متولد ۱۳۳۶ است و معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، دبیر شورای‌عالی فناوری اطلاعات و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران است. جهانگرد پیش‌ازاین مشاور و نماینده ویژه رئیس‌جمهور در فناوری اطلاعات و ارتباطات در دولت محمد خاتمی بود. جهانگرد را به‌عنوان یکی از پاک‌دست‌ترین سیاست‌مداران ایرانی می‌شناسند و گفته می‌شود شانس او برای تصدی شهرداری بالاست. نصرالله جهانگرد، دانش‌آموخته رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه شهید بهشتی است و در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت صنعتی از دانشگاه صنعتی امیرکبیر فارغ‌التحصیل شده است.

مناف هاشمی: او متولد ۱۳۴۶ و استاد دانشگاه، سیاست‌مدار ایرانی و استاندار کنونی گلستان است. هاشمی را از نزدیکان به محمدباقر قالیباف می‌شناسند. هاشمی تحصیلات خود را در مقطع فوق‌لیسانس در انستیتوی کارولینسکای سوئد در رشته شهرسازی به پایان رساند و موفق به اخذ گواهینامه دکترا از این دانشگاه شد. هاشمی در دوران مدیریت محمدباقر قالیباف در شهرداری تهران مسئولیت‌هایی مانند معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری، قائم‌مقام معاونت خدمات شهری، مدیرکل تشخیص و وصول درآمد را بر دوش داشته است و با روی‌کارآمدن حسن روحانی به معاونت وزارت ورزش و جوانان منصوب شد.

علی ربیعی: او هم متولد ۱۳۳۴ و در دوره دهم و یازدهم وزیر کار دولت روحانی بود و حدود چند ماه پیش با استیضاح از وزارت راه خداحافظی کرد. او تحصیلات خود را تا مقطع دکترا در رشته مدیریت ادامه داده و جزء رقیق‌القلب‌ترین وزرای روحانی محسوب می‌شود. او استاد دانشگاه‌های تهران و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و اقتصادی است. وی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور، محقق و نویسنده در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و مدیریت و مشاور اجتماعی اصلاحات هم بوده است.

علی اوسط‌هاشمی: هاشمی ۶۰ ساله، استاندار سیستان‌وبلوچستان در دولت یازدهم بود. از سوابق اجرائی او می‌توان به مدیرعامل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران ۹۷ـ۱۳۹۶، استاندار استان سیستان‌وبلوچستان ۹۶ـ۱۳۹۲، معاون سیاسی و امنیتی استانداری کردستان در دوره اول اصلاحات، فرماندار تهران در دوره دوم اصلاحات، معاون سیاسی و امنیتی استانداری قزوین، فرماندار شهرستان گیلانغرب، مدیرکل سیاسی و انتظامی استانداری کرمانشاه،...

ادامه در صفحه ۱۵

واکنش‌ها به انتشار ویدئوی برخورد با دانشجوی دانشگاه آزاد ادامه دارد

انتقاد به گشت ارشاد؛ از بسیج دانشجویی تا محمدرضا عارف

شرق: ماجرایی که از محمدرضا عارف و کاربران شبکه‌های اجتماعی تا بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد آن را محکوم کردند؛ باز هم پای گشت ارشاد در میان است و برخورد با دخترانی که بدحجاب خوانده می‌شوند و انتشار یک ویدئوی پرسش‌برانگیز. این ویدئو چند روز پیش پخش شد، اما واکنش‌ها به آن همچنان ادامه دارد. ماجرای ویدئو از این قرار بود که یک ماشین گشت ارشاد در محوطه دانشگاه آزاد سوهانک تهران به سمت دختری که به سپر جلوی آن چسبیده حرکت می‌کند و هرآن ممکن بود این دختر زیر گرفته شود. از قرار معلوم ماجرا در پارکینگ دانشگاه و در حضور جمعی از دانشجویان رخ داده و یک نفر نیز از بالای یک ساختمان مشرف به صحنه در حال فیلم‌برداری از ماجرا بود. پخش همین فیلم هم ماجرا را رسانه‌ای کرد.ایرنا به نقل از یک شاهد عینی ماجرا را این‌طور توضیح داده است: «حدودا ساعت ۱۱، ۱۲ بود که وقتی تعدادی از دانشجوها می‌خواستند از دانشگاه بیرون بروند، گشت ارشاد به چند نفر به‌خاطر پوشش تذکر می‌دهد و این کار باعث درگیری لفظی میان گشت ارشاد و دانشجوها می‌شود. مأموران هم دانشجوها را تهدید به بازداشت می‌کنند و این حرف باعث عصبانی‌شدن دانشجوها می‌شود. در این گیرودار یکی از مأموران، یکی از دانشجوهای دختر را به سمت ماشین هدایت می‌کند که با اعتراض بقیه همراه می‌شود».یکی از دانشجویان هم در توضیح این اتفاق می‌گوید: «گشت ارشاد یکی از دخترها را به داخل ون برده بود که یکی دیگر از دخترها او را از ون بیرون آورد و همه برایش سوت و دست زدند، اما دوباره مأموران گشت ارشاد او را می‌گیرند. ون گشت ارشاد هم که می‌آید از میان شلوغی‌ها رد شود، همان دختر می‌آید و جلوی ماشین می‌ایستد. البته دانشگاه هم از آن دختر عذرخواهی کرده است».فیلم و اصل ماجرا اگرچه با توضیح حضور گشت ارشاد در محوطه دانشگاه آزاد سوهانک منتشر شده، اما بر اساس خبری که به نقل از یکی از مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی به دست رسانه‌ها رسید، حضور گشت ارشاد در دانشکده سوهانک تکذیب شد. در این خبر آمده بود: «یکی از مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی درخصوص فیلم منتشره درباره اعتراض نسبت به حضور گشت ارشاد در دانشکده سوهانک گفت: اعتراضی در این زمینه نبوده و همان‌طور که در فیلم مشخص است، فقط یک نفر در آنجا حضور دارد و معلوم نیست ماجرا چیست. این مسئول در دانشگاه آزاد عنوان کرد: هیچ تجمعی در این رابطه صورت نگرفته و اتفاقی که رخ داده خارج از مجموعه دانشگاه بوده و نیروی انتظامی نیز وظیفه ذاتی‌اش را انجام داده است. وی یادآور شد: بر اساس قانون، ورود نیروهای نظامی و انتظامی به دانشگاه ممنوع است و این ویدئو مربوط به بیرون از دانشگاه است.این اشاره مربوط به قانونی است که سابقه تصویب آن به مجلس ششم و مردادماه سال ۱۳۷۹ برمی‌گردد؛ موضوعی که پس از حوادث تیرماه ۷۸ و کوی دانشگاه و همچنین دیگر وقایع آن سال‌ها، ازجمله حمله به دانشگاه تبریز به‌عنوان یک دغدغه در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و در نهایت با عنوان قانون «ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» ارائه شد که در مجلس ششم با اکثریت قاطع آرا تصویب شد.پس از انتشار ویدئوی جدید حتی بسیج دانشجویی دانشگاه تهران مرکز نیز با صدور بیانیه‌ای نسبت به برخورد برخی پرسنل گشت ارشاد با یک دانشجوی دختر، واکنش نشان داد.به گزارش خبرگزاری دانشجو، در این بیانیه خطاب به ریاست دانشگاه آمده است: «بسیج دانشجویی تهران مرکز به‌عنوان یک تشکل انقلابی دانشجویی که از بدنه خود دانشجویان تشکیل شده و با توجه به وظیفه ذاتی خود، همواره همراه و در کنار دانشجویان قرار گرفته است و جزء لاینفکی از حرکت دانشجویی بوده و خواهد بود؛ لذا در مسیر این همراهی، ضمن ابراز تأسف نسبت به اتفاقات پیش‌آمده مورخ ۵/آبان‌ماه/۹۷ که در اثر رفتار خودسرانه و سلیقه‌ای تنی چند از پرسنل نیروی انتظامی در محوطه بیرون دانشگاه رخ داد، این عمل باعث آزردگی خاطر و ازبین‌رفتن سلامت فکری دانشجویان شده است. همچنین معتقد است که هرگونه تذکر و برخورد باید در چارچوب موازین اسلامی و اخلاقی، با تدابیر صحیح و تأثیرگذار صورت بگیرد و از سوی دیگر دانشجو نیز بایستی ضمن رعایت شئونات اخلاقی و اسلامی، در مسیر صیانت از حرمت و جایگاه اجتماعی خود، پوششی متناسب با فضای آموزشی برگزیده تا به واسطه رفتار اشتباه و پوشش نامناسب تعدادی از آنان، شأن سایر دانشجویان نیز خدشه‌دار نگردد».نویسندگان بیانیه همچنین در پایان نوشتند: «از مسئولین محترم نیروی انتظامی خواستار پیگیری و مؤاخذه پرسنلی که موجب وهن و لکه‌دارشدن زحمات این نیروی خدوم شده‌اند را خواستاریم».این فیلم همچنین واکنش سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ، را نیز به دنبال داشت. او دراین‌باره گفت: «به دنبال ایجاد یک مرکز دانشگاهی در منطقه سوهانک، بسیاری از شهروندان در درخواست‌های مکرر از پلیس خواسته بودند تا در آن منطقه حضور داشته باشند که این اقدام پلیس در همین راستا بود». سردار رحیمی با بیان اینکه این ویدئو به شکل تقطیع‌شده در فضای مجازی منتشر شده است، اظهار کرد: «در این ویدئو یک خانم جلوی ماشین پلیس می‌آید که بلافاصله راننده نیز ترمز کرده و خودرو را متوقف می‌کند، اما این ویدئو به شکل کامل منتشر نشده و تنها بخش‌هایی از آن انتشار یافت». فرمانده انتظامی تهران بزرگ با تأکید بر اینکه برخورد با ناهنجاری‌ها و مخلان امنیت اخلاقی جامعه از وظایف پلیس است، بیان کرد: «برخی قصد دارند تا با چنین فضاسازی‌هایی پلیس را در انجام وظایف خود سست کنند، اما ما در این مسیر محکم گام برمی‌داریم و در برخورد با ناهنجاری‌ها کوتاه نمی‌آییم». اما ماجرای واکنش‌ها به این اتفاق به همین‌جا ختم نشد و روز دوشنبه محمدرضا عارف، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی که ریاست کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس را نیز برعهده دارد، در واکنشی در توییتر دراین‌باره این‌طور نوشت: «حرمت دانشگاه و دانشجو نباید به بهانه‌های واهی مورد خدشه قرار بگیرد. هنوز تبعات شکسته‌شدن قداست دانشگاه در دهه‌های گذشته از یادها نرفته است. نیروی انتظامی تحت عنوان گشت ارشاد یا هر عنوان دیگری حق برخورد با دانشجویان در حریم دانشگاه را ندارد».

خبر

در مراسمی با عنوان آشتی با جنگل در روستایی نزدیک مریوان برگزار شد

روزی برای شکستن تبرها و اره‌ها

● **شرق:** مرد جوان سنگ بزرگی را بلند کرد و روی اره‌برقی کوبید، دستگاه از هم پاشید و هر تکه‌اش به یک طرف پرت شد. هم‌زمان از آن‌طرف صدای تشویق حاضران بلند شد. بعد از او سه تبر و یک اره‌برقی دیگر هم به همین سرنوشت دچار شدند؛ سرنوشتی که صاحبانشان با سنگ بزرگ وسط میدانگاه برایشان رقم زدند؛ شکستن و خردشدن. ماجرا چه بود؟ اینجا روستای سردوش در ۱۵ کیلومتری غرب مریوان در استان کردستان است و این مراسم که با عنوان آشتی با جنگل برگزار شده، برنامه‌ای بود که اهالی این روستا با همکاری سازمان مردم‌نهاد انجمن سبز چیا برگزار کردند؛ مراسمی محیط‌زیستی با هدف اعلام لزوم دوستی با درخت‌ها و جنگل‌های بلوط اطراف روستا؛ جنگلی که هرازگاهی یکی از همین تبرها و اره‌ها برای نابودکردن و بریدن و هیزم‌شدن به سمتشان روانه می‌شد.بااین‌حال اعضای انجمن سبز چیا با صحبت و هم‌فکری و گفت‌وگو با صاحبان این تبرها و اره‌ها آنها را متقاعد به پایان دشمنی با جنگل و درخت کردند و روز آشتی را رقم زدند؛ روزی که نمادش شکستن ابزار قطع‌کردن و بریدن درختان بود.

این مراسم عصر روز دوشنبه، هفتم آبان، با حضور مردم روستای سردوش، از توابع بخش مرکزی مریوان برگزار شد. جمع زیادی از اهالی این روستای ۴۰۰ خانواری برای همراهی و حمایت از این طرح گرد هم آمده بودند و با شکستن هر تبر و اره موجی بلند از دست‌زدن و تحسین و تشویق به راه می‌انداختند.این بخشی از گزارش وب‌سایت انجمن سبز چیا درباره همین برنامه است: «در این مراسم که با استقبال پرشور از سوی مردم روبه‌رو شد، چندین برنامه اجرا شد که مهم‌ترین آنها شکستن دو اره‌برقی از سوی آقایان پیمان نیکخواه و ایوب قادری و همچنین چندین تبر از سوی آقایان معتصم کیوان، امید رحمانی و کیوان قادری بود که با تشویق زیاد حاضران همراه شد. این دوستان تازه طبیعت، هدف خود از این کار را پشیمانی از تخریب و سعی به آبادانی دوباره جنگل اعلام کردند و به حضار قول دادند تا در راهی غیر از آبادانی و حیات دوباره جنگل گام برندارند. لازم به ذکر است که نمایندگان مردم روستای سردوش و انجمن سبز چیا ابراز امیدواری کردند که حرکت شروع‌شده دوستداران طبیعت ادامه پیدا کرده و در روستاهای دیگر نیز شاهد قطع روند تخریبی جنگل‌ها بوده و تاریخی از آبادانی و رشد جنگل‌ها را از این به‌بعد با همت مردم شاهد باشیم. محمد ناجی کانی سانانی با اشاره به نقش تبر در هرس و زیباسازی جنگل و نقش آن در زندگی مردم روستا خاطرنشان کردند که تبر سبز، تبری خواهد بود که هیچ‌گاه به منظور تخریب و ازبین‌بردن بر تنه درختان فرود نخواهد آمد».در بخش‌های دیگر این مراسم هم گروهی از دختران روستای سردوش به اجرای سرودی با مضمون آبادانی و توسعه پرداختند و پس از آن نیز پسران نوجوان روستا تئاتری محیط‌زیستی در رابطه با اهمیت جنگل و نقش افراد در حفاظت از آن اجرا کردند. چندین نفر از معتمدین روستا و اعضای انجمن سبز چیا نیز با ایراد سخنرانی برای حضار نکاتی در رابطه با اهمیت دوستی با طبیعت و حفاظت از محیط زیست را گوشزد کردند.این اولین اقدام نمادین و تأثیرگذار انجمن سبز چیا در این زمینه نیست. در سال‌های گذشته اعضای این انجمن تعدادی از شکارچیان منطقه را به شکستن تفنگ‌های خود ترغیب و مراسمی نیز برای آنها برگزار کردند که بازتاب گسترده‌ای داشت. علاوه‌براین در حرکتی دیگر اعضای این انجمن با آگاهی‌سازی به مردم شهر و روستاهای منطقه بسیاری از آنها را ترغیب به شکستن و سوزاندن قفس‌های خانگی خود که اغلب در آنها کبک نگه می‌داشتند کردند و این کار هم به جنبشی تقریبا فراگیر تبدیل شد.

شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب (سهام ی خاص)

آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۲۴۳-۳-۹۷

نوبت اول

شماره مجوز: ۱۳۹۷،۳۷۵۸

شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب در نظر دارد کالای مورد نیاز خود را مطابق جدول زیر از طریق برگزاری مناقصه‌ی عمومی تأمین نماید.

شماره قلم	موضوع مناقصه	جمع عددی	شماره تقاضا
۰۱	سوداش	۳۰۰۰	۹۶۳۰۱۹۰-۸۹-۲۱-۰۸

لذا کلیه شرکتهایی که فعالیت آنها مرتبط با شرح کالای مورد درخواست می باشد می بایست ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ درج آگهی فراخوان با مراجعه به سایت اینترنتی ذیل الذکر، نسبت به استخراج و تکمیل «فرم تعهد نامه ارائه کالا مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفت-خیز جنوب» و ارسال آن به همراه مدارک و مستندات لازم منطبق با موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی (برای معاملات کمتر از بیست برابر نصاب معاملات متوسط) به آدرس پستی مندرج در فراخوان اقدام نمایند.

فرم پرسش نامه ارزیابی ← مدیریت تدارکات و امور کالا ← مزایده و مناقصه ← WWW.NISOC

کسب حداقل نمره ۶۰ در ارزیابی کیفی جهت تحویل اسناد مناقصه به فروشندگان/ سازندگان الزامی است.

ضمناً مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشند.

آدرس پستی: اهواز - کوی فدائیان اسلام (نیوساید)- خیابان شهریور- مجتمع تدارکات و امور کالا- ساختمان ۱۰۲- اداره تدارکات خرید کالای داخلی- واحد خریدهای عمومی اتاق کد پستی ۵۴۵۷۹-۶۱۱۳۸ تلفن: ۲۲۱۷۵ - ۰۶۱-۳۴۱